

ولادت باسعادت  
حضرت ختمی مرتب  
محمد مصطفیٰ قلی‌زاده  
واحیاگر مکتب تشیع  
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام  
بارک باد

# لُفْحَة

تائید آیت‌الله مقتدایی در اجلاسیه مدیران حوزه‌های علمیه سراسر کشور

## اخلاق و معنویت

# راهبرد گام دوم انقلاب



### تبیین حقوق و کرامت زن در اسلام و کارکردهای عفاف و حجاب در جامعه اسلامی

گفت‌وگو با سرکار خانم گل‌کبری

### بررسی و تبیین گفت‌وگوی ادیان و مذاهب از نگاه قرآن

گفت‌وگو با جنت‌الاسلام و اسلام‌پژوهان زمانی

من معتقد به تسلیم در برابر ظلم و تجاوز هستم. وجود دفاع در اسلام با اصل گفت‌وگو  
و سلم و حفظ پیمان‌های دوستی با کفار کتابی و غیرکتابی تعارضی ندارد.



### آیت‌الله مصباح یزدی در همایش تبیین بیانیه گام دوم انقلاب جامعه‌سازی و تمدن سازی پیام مهم بیانیه گام دوم انقلاب

برای پرداختن گام دوم، اکتفای صرف به دستاوردهای گام اول کافی نبوده و باید تلاش بیشتری  
کرد تا به اهداف بلند و متعالی بررسیم.



### حضرت آیت‌الله علوی گرگانی باید به جایی بررسیم که دنیا به دنبال ایرانی‌ها باشد

جوانان باید برای رسیدن به موقعیت از نظرات هم‌دیگر استفاده نموده و بهترین نظرات  
را انتخاب کنند.

## بررسی عملکرد مدیریت حوزه‌های علمیه کشور در شورای عالی جامعه مدرسین



جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از اهتمام و کوشش جهادی مدیر  
حوزه‌های علمیه تقدیر و تشکر کردند. در پایان جلسه نیز مقرر  
شد طبق درخواست ملی مختار حوزه‌های علمیه، ارائه گزارش  
عملکرد مدیریت حوزه در جلسات آئین شورای عالی جامعه  
مدرسین ادامه یابد.

### روزنایی از نمایشگاه مهم‌ترین طرح‌ها و برنامه‌های مرکز مدیریت حوزه

برپایه همه‌گزارش، همراهان با گزارش مدیر حوزه‌های علمیه  
شورای عالی جامعه مدرسین بزرگ‌ترین میزگارد مدرسین شد.  
به گزارش خیرگزاری حوزه، آیت‌الله اعرافی مدیر حوزه‌های  
علمیه سراسر کشور، آیان با حضور در جلسه شورای عالی  
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ضمن ارائه گزارشی از عملکرد  
مدیریت حوزه‌های علمیه، به سوالات رئیس و اعضای محترم  
جامعه مدرسین پاسخ داد.

در این جلسه که به تبریز برگار شد، ایندا  
آیت‌الله اعرافی، گزارشی از مهم‌ترین طرح‌ها و اقدامات مکرر  
مدیریت حوزه‌های علمیه ارائه نمود.

مدیر حوزه‌های علمیه سراسر کشور همچنین با تشریف  
نظرهای نوآور آن‌دو مبهم و چند پهلوکه ممکن است  
با قوانین موجود، به تهییج جرم محسوب ننمود، اما

در برخورد با مفسدین مورد انتظار همگانی است و  
قوه قضاییه انقلابی به تعییر مقام معظم رهبری قوه ای  
است که «عادلانه، خردمندانه، دقیق، دلسوزانه،  
منصفانه، اقامتانه و بدون رودریاستی» عمل می‌کند.  
ثابتیاً همان‌طور که مستحضرید، لازم قطعی این  
برخوردها، فشارهای و ناراحتی برخی افراد و چریانات -  
حتی برخی دولت‌ستان - خواهد بود؛ لذا لا تأخذنک فی  
الله لوثة لام».

۴. علی رغم وجود قانون (ماده ۳۵۱ دادرسی  
کیفری، ماده ۷۳ و ۱۹۰ آین دادرسی دادگاه‌های  
عمومی و انقلابی، ...) دسترسی به پروندهای  
قضایی و اخراج رونوشت از مفاد پرونده برای افراد و ایسته  
به پرونده امری دشوار و بعض‌تا ناممکن است. طبق  
نظر کاشتانا، دسترسی افراد به پرونده‌ها، سیاری  
از تخلفات قضایی و نیز هریمه‌های دادرسی را کاهش  
خواهد داد.

۵. قطار حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی، امروز  
در ایستگاه تشكیل دولت اسلامی متوقف شده است؛  
دولت اسلامی که شامل دستگاه قضایی شدن قوای دیگر  
نیز تاثیر و افزایش داشته باشد؛ لذا جدیت در پاک‌سازی  
دستگاه قضایی و نیز تنظیم سازوکار مناسب برای  
نظرات توسعه آن هستند. اظهار  
تمدن اسلامی و انshallah ظهور حضرت ولی‌عصر  
(رواحدنا فداء) خواهد بود.

۶. تأثیر رو به افزایش فضای مجازی بر روی زندگی  
مردم و نیز حکومت‌ها، از چشم دشمنان دور نبوده  
است، بلکه به واسطه قابلیت‌های متعدد فضای  
مجازی، آن را ستری مناسب برای رسیدن به مقاصد  
شون خود می‌داند و در صدد توسعه آن هستند. اظهار  
نظرهای نوآور آن‌دو مبهم و چند پهلوکه - ممکن است  
با قوانین موجود، به تهییج جرم محسوب ننمود، اما

در ضمن یک جرم انسانی باشد.

۷. کارسازی، در زمینه‌های همچون باشگاه

حقوق انسانی، نیزهای اجتماعی، امور اقتصادی، اصلاح

حقوق انسانی، تهابی از قوه قضاییه در اذاهان مردم و ...

همان طور که مورد توجه حضرت عالی است از

هم اولویت‌های قرار گیرد و بر نامه‌های ضرر عالی در

حقوق انسانی، از این‌جا به این‌جا افزایش

ساخت جنگ اقتصادی و فرهنگی که موجب افزایش

فشار بر روی مردم است، بازیابی اعتماد و دلگمی مردم

معاونت ارشاد قوه قضاییه که با وجود همه فشارهای راه

خود ادامه می‌دهد، شکر نماید. در ضمن نکاتی را در

جهت پیویسی هرچه بیشتر دستگاه قضایی به محض

جهت پیویسی می‌شود:

۱. سند تحول قضایی با تعیین زمان بندی مورد نظر

مقام معظم رهبری و نیز شخص نمودن مستولین

اجرایی هر یک از اجزای آن، در دسترس عموم و

به خصوص کارشناسان قرار گرفته است، اولاً (همانطور

ملحظه این و آن را نکنید)، چراکه عمل به مرتکب

سم الله الرحمن الرحيم  
حضرت حجت‌الاسلام والمسلمين سید ابراهیم  
رئیسی «دام عزره»

ریاست محترم قوه قضاییه  
سلام علیکم

در آغاز دهه پنجم انقلاب اسلامی، درست زمانی  
که یکی از اساسی‌ترین ایکان انقلاب، در گام دوم  
خویش نیاز به روحی تاره داشت، حضور شما در

صدر قوه قضاییه، امیدهای را به تسريع حرکت به سمت  
آزمایان، آن را به خوبی درکرد.

حکم امیدبخش شما در این منصب همراه با اینه

حضرت عالیه نازه، انجیهای موضع انقلابی و ولایی، نوید

نفسی تازه، انجیهای مضاعف، نظم و تدبیری

حکمت امیدرازوران جدید می‌دهد.

قرارگاه اسناید و طلاق انقلابی حوزه علمیه قم، وظیفه خود می‌داند

از اقدامات انقلابی و ارزشمند حضرت عالی و همکاران تان در مدت کوتاه

تصدی منصب ریاست قوه قضاییه، به خصوص مبارزه با اغماض

با مفسدین اقتصادی، تسريع در روند رسیدن

و نیز فعل کردن معاونت ارشاد قوه قضاییه که با وجود همه

به گزارش خبرگزاری حوزه، قرارگاه اسناید و طلاق انقلابی حوزه علمیه قم

در نامه‌ای به رئیس قوه قضاییه، ضمن تقدیر از خدمات و فعالیت‌ها

پیشنهادانی نیز از این که متن نامه بدين شرح است:

## تقدیر اسناید و طلاق انقلابی حوزه علمیه قم از رئیس دستگاه قضایی

قرارگاه اسناید و طلاق انقلابی حوزه علمیه قم، وظیفه خود می‌داند  
از اقدامات انقلابی و ارزشمند حضرت عالی و همکاران تان در مدت کوتاه

تصدی منصب ریاست قوه قضاییه، به خصوص مبارزه با اغماض

با مفسدین اقتصادی، تسريع در روند رسیدن

و نیز فعل کردن معاونت ارشاد قوه قضاییه که با وجود همه

به گزارش خبرگزاری حوزه، قرارگاه اسناید و طلاق انقلابی حوزه علمیه قم

در نامه‌ای به رئیس قوه قضاییه، ضمن تقدیر از خدمات و فعالیت‌ها

پیشنهادانی نیز از این که متن نامه بدين شرح است:

قراءت عالیه نازه، انجیهای موضع انقلابی و ولایی، نوید

نفسی تازه، انجیهای موضع انقلابی و ولایی، نوید

قطا علیه نازه، انجیهای موضع انقلابی و ولایی، نوید

حکمت امیدرازوران جدید می‌دهد.

قرارگاه اسناید و طلاق انقلابی حوزه علمیه قم، وظیفه خود می‌داند

از اقدامات انقلابی و ارزشمند حضرت عالی است از

هم اولویت‌های قرار گیرد و بر نامه‌ای ضرر عالی در

حقوق انسانی، از این‌جا به این‌جا افزایش

ساخت جنگ اقتصادی و فرهنگی که موجب افزایش

فشار بر روی مردم است، بازیابی اعتماد و دلگمی مردم

معاونت ارشاد قوه قضاییه که با وجود همه فشارهای راه

خود ادامه می‌دهد، شکر نماید. در ضمن نکاتی را در

جهت پیویسی هرچه بیشتر دستگاه قضایی به محض

جهت پیویسی می‌شود:

۱. سند تحول قضایی با تعیین زمان بندی مورد نظر

مقام معظم رهبری و نیز شخص نمودن مستولین

اجرایی هر یک از اجزای آن، در دسترس عموم و

به خصوص کارشناسان قرار گرفته است، اولاً (همانطور

ملحظه این و آن را نکنید)، چراکه عمل به مرتکب

هر کارهای کار خوب در کشور می‌شود.

حضرت عالیه نازه، انجیهای موضع انقلابی و ولایی، نوید

نفسی تازه، انجیهای موضع انقلابی و ولایی، نوید

قطا علیه نازه، انجیهای موضع انقلابی و ولایی، نوید

حکمت امیدرازوران جدید می‌دهد.

قراءت عالیه نازه، انجیهای موضع انقلابی و ولایی، نوید

نفسی تازه، انجیهای موضع انقلابی و ولایی، نوید

قطا علیه نازه، انجیهای موضع انقلابی و ولایی، نوید

حکمت امیدرازوران جدید می‌دهد.

قراءت عالیه نازه، انجیهای موضع انقلابی و ولایی، نوید

نفسی تازه، انجیهای موضع انقلابی و ولایی، نوید

قطا علیه نازه، انجیهای موضع انقلابی و ولایی، نوید







## پرس و جو



## حجاب: اجباری یا اختیاری، فردی یا اجتماعی؟!

### آیا در قرآن و روایات سندی برای وجوب و پوشش اجباری وجود دارد؟

آیا حجاب در قرآن و روایات اسلامی رفتاری واجب معرفی شده است؟ آیا حدود و مزهها و قالب‌های حجاب هم مشخص شده و به صورت یک قالب معین و یکسان واجب شده است؟ و اصولاً دلایل اجبار حکومتی حجاب در کشور ما چیست؟ در مطلب حاضر به این سوالات و شبهات پاسخ داده شده است.

مسائل اجتماعی جای بدانیم و بگوییم به جای وجود قوانین شفاف و تنظیم‌کننده روابط اجتماعی، فرهنگ سازی کنیم و رعایت هنجارها و قواعد اجتماعی را به شعور و انتخاب آزاد افراد بسپاریم، آنگاه نتیجه چنین تفکری جز هرج و مر ج اجتماعی و آشناگی‌های زیانی در روابط میان مردم نخواهد بود. قوانین خوب و کارامد هم برای آن که خوب و مؤثر اجرا شود و به نتایج لازم برسند، نیازمند فرهنگ‌سازی و بالادرن آگاهی‌ها و انگیزه‌های افراد جامعه است، اما منطق نیست که وضع قوانین و اجرای آن را به تحقق فرهنگ‌سازی موکول کنیم؛ زیرا خود وضع و اجرای قانون هم بخشی از فرهنگ‌سازی لازم برای هنگارمند کردن رفتار جامعه به شمار مرد.

#### چه زمانی حجاب ارزش و اصلت دارد؟

مغالطه دیگری که در این عرصه مطرح می‌شود این است که حجاب وقتی ارزش و اصلت دارد و نتایج معنوی و اخلاقی قابل توجهی را برای زن مسلمان به وجود می‌آورد که انگریزه آن از درون روح او بجوشد و رفتار محظوظه زن مبتنی بر ایمان اصیل و عمیق درونی او باشد؛ گزنه صرف اجبار او به پوشش خاص، تأثیر معنوی مهمی را در شخصیت او نمی‌گذارد. در پاسخ به این سخن باید گفت: بدون شک رفتارهایی که از سراسر ایمان عمیق و انگیزه‌های معنوی و با انتخاب آزاد فرد انجام می‌گیرد، رفتارهای بالزیرشتر و اصلی‌تر بوده و تأثیرات عميق‌تر و ماناتری در شخصیت فرد می‌گذرد؛ اما توجه به این امر ضروری است که اساساً وضع عبادات و احکام شرعی در شریعت اسلامی با هدف تعییق و ترسیخ ایمان و انگیزه‌های معنوی رشد فضائل اخلاقی و پیراستن رذائل اخلاقی است. خداوند متعال از حرمت و حکمت خود بر تقدیر انسان‌ها و تقویت جنبه‌های انسانی در نقوص آدمیان و نیرومندترین قدرت مدیریت و کنترل راژی‌خواهی، احکامی را به صورت وجودی و استحبانی تا تحریمی و کراحتی وضع کرده است تا انسان‌ها از طریق رعایت حدود الهی و انجام تکالیف شرعی به مقامات بالاتر انسانی و قرب الله راه یابند. در حیث قسیسی قرب فرشت آمد است: «حضرت امام صادق علیه السلام از جناب رسول خدا علیه السلام نقل فرمودند: خداوند عزوجل فرمود که: هر کسی به یکی از دوستان من اهانت کند، به چنگ که این در نظر گرفته شده و این شیوه عقایلی البته بنداده را به ایندازه واجبات به من نزدیک نمی‌کند و پس از آن هیچ چیز به رتبه مستحبات نمی‌رسد که بنداده را از عبادات مستحبی آنقدر به من نزدیک می‌شود تا من او را وارد می‌نمایم و این پس از آن هیچ چیزی از جانب شرع مقدس تائید شده است. توضیح مطلب این است که حتی رفتارهایی که بر اساس حکم اولی اسلام، مباح و انجام آن‌ها جائز است، اگر به سبب تغییر عنوان یا مصالحی که دامنه اختیارات و آزادی‌های فردی را به سود منافع اجتماعی تکثیر کند؛ مثل خرد و فروش جزئی و مصرف مواد مخدور که ابتداء اموری فردی هستند، ولی در اکثر کشورهای دنیا منوع شده و جرم تلقی می‌شود.

#### الزم قانونی حجاب، هرگز ناف مسئله مهم فرهنگ‌سازی

در این عرصه نیست. برخی از افراد می‌پندازند

که بهتر است مسئله حجاب را به انتخاب افراد و اکنار کرده

و صرف‌آف فرهنگ‌سازی و روشنی‌های غیراجباری

انگریزه رعایت حجاب را در میان مردان و زنان جامعه تقویت کنیم.

بله، ما هم فرهنگ‌سازی را مرسی‌سازی می‌دانیم

و معتقدیم که آگاه‌سازی، بالادرن انگیزه‌های مثبت، تشویق

ارائه گوها را موتور و جذاب در حوزه زیبایشانی مدد و لباس

و تغییر خانواده‌ها در مسئله حجاب، مهم و ضروری است

اما این مسئله هرگز نیز تواند جای قوانین روش و شفاف را پر کند؛

هم‌چنانکه قوانین خوب هم غیب تواند

جای فرهنگ‌سازی و رشد انگیزه‌ها و حس

هکاری و تعاوون را پرگاید.

این شیوه قانون‌گذاری، در حقیقت شیوه‌ای عقلانی است. در تمامی نظام‌های حقوقی، دولت می‌تواند نسبت به رفتارهایی که بخودی خود از امور شخصی محسوب می‌شوند، این در بازه زمانی و شرایط خاصی، آثار اجتماعی است و ظرفیت وضع قوانین محدود کننده را دارد. از تدبیت نیست که مخاطب قرآن کریم در مسئله حجاب، زنان مسلمانند و ظاهرا زنان غیرمسلمان معمول آیات حجاب نیستند؛ مسئله این ایجاد امری شخصی و متوقف بر انتخاب خود را می‌شود. مسلمانند و ظاهرا زنان غیرمسلمان معمول آیات حجاب نیستند، اما این ادله دیگری وجود دارد که اثبات می‌کند همه زنان و مردان، چه مؤمن و

چه کار موقوف به رعایت حدود شرعاً هستند؛ هرچند اعمال کافران

در صورتی مقبول و معتبر است که ابتداء به توحید خداوند و نبوت پیامبر اسلام ایمان اورده و اعمال خود را با انگیزه ایمانی انجام دهنند. بر اساس این مبنای متكلمان و فقهیان مسلمان گفتارند: کافران همان‌گونه که به اصول دین، مکلف و برای رعایت نکردن آن، مستحق کیفر اخروی خواهند بود.

۲. تدبیت نیست که حجاب ابتداء و اجنبی شرعاً است که خود مرد و زن

مسلمان، باید را با انگریزه ایمانی و از سرخداخواهی با اخذ انتزاعی رعایت کنند.

کنند؛ اما این امر هرگز به معنای این نیست که حجاب امری فردی است

و جنبه اجتماعی ندارد. اصلاً حجاب ذات امری اجتماعی است و در ارتباط

با دیگران معنا پیدا می‌کند. حجاب یک رفتار اجتماعی است و زن و مرد

در قلمرو رفتارها و تعاملات اجتماعی باید حدود و مزهای پوشش معتبر شرعاً را رعایت کنند.

۳. از آن‌جا که حجاب امری اجتماعی است، پس به خودی خود طرفیت

و صلاحیت وضع قانون را دارد. اصولاً اموری که در قلمرو روابط اجتماعی

قرار می‌گیرد، با منانع و مصالح عمومی را به سود یا زیان جامعه تشخیص

(چه خداوند و چه حاکم اسلامی) رفتاری را به سود یا زیان جامعه تشخیص

دهد می‌تواند مناسب با مصالح و قوانین را وضع کند.

۴. با دقت در کارکردها، آثار و آسیب‌های اجتماعی بی‌پوششی یا

بدپوششی، روش مخصوص در مناظر عمومی، بی‌پوشش، رفتاری اجتماعی است، اساساً

انسان هنگام حضور در مناظر عمومی، بی‌پوشش زنان، پیامدهای بخوبی این

قسمت‌های بدن خود می‌کند و در خلوت چنان‌زمانی که در مناظر عمومی وجود دارد، مطرح نیست.

بنابراین رفتار پوشش می‌کند؛ این امر بجزیه ایمانی را در برمی‌گیرد

و پوشش شرعی، موجب تقویت اخلاق، عفت عمومی، آرامش روانی

از آزادی‌های جنسی زنان و دهه اثر مثبت دیگر است که در اینجا امکان

پرداختن به آن‌ها به صورت تحلیلی و مبسوط وجود ندارد. دولت اسلامی

حق تجسس و تفتیش در امور شخصی و دخالت در امور پنهان مردم را

ندارد (مگر در مواردی که رفتارهای فرد در حریم خصوصی، به آسیب‌های

افراد و اکنار کرده و صرف‌آف فرهنگ‌سازی و روشنی‌های غیراجباری انجام شده باشد)،

کننده باشد، به شرط آن که به افراد دیگر آسیب نزند؛ ولی رفتاری که به محیط

جامعه کشیده شود و بالقوه یا بالفعل برروابط و مناسیبات اجتماعی تأثیر

مثبت یا منفی داشته باشد، اقتضای جعل قانون برای الزام به فعل یا

ترك آن وجود دارد؛ به عنوان مثال در قانون مجازات اسلامی، تظاهر به

روزه‌خواری جرم تلقی شده و مجازاتی برای آن در نظر گرفته شده است؛

هرچند روزه‌داری و روزه‌خواری هر دو از امور شخصی به شمار می‌روند و

#### ◎ وجوب پوشش شرعی (حجاب) برای زن و این که باید اعضاً بدن

و از جمله موها را از نامحرم بپوشاند، حکم مسلم فقهی است و حتی من توافق کنده که از ضروریات دینی به شمار می‌آید. آیات و روایات فراوانی، صراحتاً بر جوب پوشش خاصی برای زنان دلالت دارد. فیهان شیعی با استناد به برخی از آیات قرآن کریم و روایات پرشماری از پیامبر و امامان اهل بیت علیهم السلام، پوشش همه بدن، جز گردی صورت و دست‌ها تا مج را برای زنان واجب می‌دانند.

خداوند متعال در تبیین و توصیف محدوده پوشش زنان مسلمان می‌فرماید: ای پیامبر! به همسران و دختران و به زنان مؤمنان بکوکه پاره‌ها از مقننه‌های خود را بخود نزدیک رکنند (تا گردن و سینه‌های آنها آشکار نشود) (atzar) (۵۹:۵۹). تفسیر نمونه: در شان نزول آیه جنین المیزان فی تفسیر القرآن، «زنان عرب در صدر اسلام، معمولاً پیش‌زینه‌ها پوشیدند که گردن و سینه‌ها پوشیده شود».

در سوره نور، فرمود: «و به زنان مؤمن بگوچشمانشان را فروپوشند

و از اندام‌های جنسی خود (نسبت به دیده شدن و زنا) مراقبت کنند و زیبایی‌های را بر سینه‌هاشان را باز بود و روسیه‌ای خود خود را طوری

می‌ستند که دور گردن و سینه‌ها را نمی‌پوشانید؛ لذا آیه فرمان می‌دهد که

زن روسیه‌ای را به گونه‌ای بینند که گردن و سینه‌ها پوشیده شود».

در آیه نزول آیه جنین، آیه از آن رو نازل شد که زنان عرب در صدر اسلام، معمولاً

پیش‌زینه‌ها پوشیدند که گردن و سینه‌ها را باز بود و روسیه‌ای خود خود را طوری

می‌ستند که دور گردن و سینه‌ها را نمی‌پوشانید؛ لذا آیه فرمان می‌دهد که

زن مؤمن و خواهش نداشته باشد، چنان‌جایی که در برابر نامزد نهادش

اهمیت داده شده باشد، این شیوه می‌شود که آیه ایله به آیت الله بهجت

گفتم که آقای افکار نصیحتی به من بکنید، فرمودند: «ننگ است کسی طبله باشد، اما

نمایش نداشته باشد، چنان‌جایی که در برابر نامزد نهادش

اهمیت داده شده باشد، این شیوه می‌شود که آیه ایله به آیت الله بهجت

گفتم که آقای افکار نصیحتی به من بکنید، فرمودند: «ننگ است کسی طبله باشد، اما

نمایش نداشته باشد، چنان‌جایی که در برابر نامزد نهادش

اهمیت داده شده باشد، این شیوه می‌شود که آیه ایله به آیت الله بهجت

گفتم که آقای افکار نصیحتی به من بکنید، فرمودند: «ننگ است کسی طبله باشد، اما

نمایش نداشته باشد، چنان‌جایی که در برابر نامزد نهادش

اهمیت داده شده باشد، این شیوه می‌شود که آیه ایله به آیت الله بهجت

گفتم که آقای افکار نصیحتی به من بکنید، فرمودند: «ننگ است کسی طبله باشد، اما

نمایش نداشته باشد، چنان‌جایی که در برابر نامزد نهادش

اهمیت داده شده باشد، این شیوه می‌شود که آیه ایله به آیت الله بهجت

گفتم که آقای افکار نصیحتی به من بکنید، فرمودند: «ننگ است کسی طبله باشد، اما

نمایش نداشته باشد، چنان‌جایی که در برابر نامزد نهادش

اهمیت داده شده باشد، این شیوه می‌شود که آیه ایله به آیت الله بهجت

گفتم که آقای افکار نصیحتی به من بکنید، فرمودند: «ننگ است کسی طبله باشد، اما

نمایش نداشته باشد، چنان‌جایی که در برابر نامزد نهادش



## خاتمتیت پیامبر اعظم ﷺ در قرآن و حدیث

نوشتاری از آیت‌الله العظمی جوادی آملی

اسلام کامل ترین و آخرین دین الهی و پیامبر آن، آخرین رسول الهی است و بعد از پیامبر اسلام پیامبر دیگری نخواهد آمد. همه مسلمانان بر این عقیده اجماع و اتفاق‌نظر دارند و تا حال هیچ مسلمانی منکر این عقیده نبوده است. علاوه بر اتفاق‌نظر مسلمانان، قرآن و احادیث قطعی اصل خاتمتیت پیامبر اسلام را اثبات می‌کنند. قرآن کریم می‌فرماید: ما کان محمد اباحد من رجالکم ولکن رسول الله و خاتم النبیین و کان الله بکل شی علیماً. محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست و لی فیضاده خدا و خاتم پیامبران است و خدا همواره بر همه چیزی داناست. (احزان، آیه ۴۰) خاتم (به) فتح نا، یا به کسرتا) دلالت بر این می‌کند که با بیوت مهر خوده و این مهر شکسته نخواهد شد و پیامبر دیگری با شریعتی جدید نخواهد آمد. چنان‌که موارد استعمال واژه‌های هم خانواده خاتم هم چون «اختن، مختن» نیز به همین معناست یعنی مهر کردن و به آخر رسیدن با این یافتن است و به عبارت دیگر: خاتم به معنای چیزی است که به وسیله آن پایان داده می‌شود و چون خاتم به معنای پایان دادن است پیامبر اسلام پیامبر دیگری با این یافتن است و خاتم‌النبویان بودن پیامبر می‌فرماید: زیرا مرحله رسالت مرحله‌ای فراز این نبوت است که بعد ختم نبوت رسالت نیز خاتمه می‌یابد. روایات فراوانی نیز از پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار ﷺ وارد شده که بر همین معنا پافشاری می‌کنند و این که برخی خاتم را به معنای انگشت‌تر و چیزی که مایه زینت به حساب آورده‌اند به خاطر همین است که نقش مهره را بروی انگشت‌هایشان می‌کنند و به وسیله آن نامه‌ها را مهر می‌کرند، که این مهر کردن حکایت از پایان نامه داشت. از این‌رو پادت در روایات ذیل می‌توان پرده از ایهام این واژه برداشت.

می‌بود و گاهی از منظم بودن و نافع بودن بی به حکمت نباشد نموده، و یا به پیامبر اکرم ﷺ استدلال کننده چه حقی و یا ازین بدن باطلی می‌مزد و یا استدلال‌هایی را کشته که این پس دلیل پیشواینده سخن است نه کوینده از پیامبر و اولیاء خود چون نوح، ابراهیم، موسی، لقمان، مؤمن آن فرعون... نقل می‌کند. با تبیین چند مطلب پاسخ سوال‌های یاد شده روشن نرموده که نفعی دارد که در قرآن خود و حقی در یک آن‌بندگان خود را از این‌جا می‌گردند: **۱. برهان در قرآن** قرآن مجيد افروز بر این که خود را به عنوان برهان و نور معروف کرده، استدلال‌های فراوانی در جای جای آن به کار نفصل کرد، و اگر قرآن از دیگران برهان می‌طلبید اقل هاتوان برهانکم «بدن خاطر است که هم برهان است و هم سخنان شان آنکه از استدلال است، نمونه باز آن نیز برهان اقامه می‌کند؛ از این‌رو می‌گوید: «ای اتها الناس قد ارجمند احتجاجات طرسی است.» براین اساس قرآن و سخن پیامبر این سخن ای مردم در حقیقت بای شما از جانب پروردگاران برهان و شیواتین بیان در پیشترهاده این اهداف شکوهمند دین و شریعت است، و ما به سوی شما نوری تابیان کرو فرستاده‌ایم. بنابراین این کتاب عالمه طباطبائی ؑ، شما اگر کتاب و کلام نیست، قرآن به زبان وحی و به زبان نظرت سخن الهی را کلوش کامل کنید و در آیا شن دقت نمایید خواهد دید شاید بیش از سیصد آیه مردم را به تفکر، تذکر و تعقل از یک ریشه و چه از غیر یک ریشه که با یک آب سیراب می‌گردد، باین همه، برخی از آن‌ها در میوه - از حیث مزه و نوع و کیفیت - برخی دیگر برتری می‌دهیم بی‌گمان در این امر نیز براز مردمی که تعلق می‌کنند دلیل روشنی است. ادامه در صفحه بعد

**از لزوم تقویت نهضت خدمت‌رسانی طلب و روحانیون به جامعه اسلامی** در تفاهم‌نامه مرکز خدمات حوزه و سازمان تبلیغات اسلامی تأکید شد



در ادامه، حجت‌الاسلام و مسلمین قمی نیز بر هم افزایی دو مجموعه تأکید کرد و این افزایش همکاری را در مسیر ارتقاء کار تبلیغ دانست. رئیس سازمان تبلیغات اسلامی گفت: سازمان تبلیغات اسلامی اراده‌ای جدی بر افزایش همکاری و هم افزایی با مرکز خدمات حوزه‌های علمیه دارد و در این راه نباید به تفاهم‌نامه و قراردادها بستنده کرد. در ادامه جلسه، معاونت‌ها و مدیران کل سازمان تبلیغات و مرکز خدمات به بیان عرصه‌های این همکاری اضافه کردند. کفته است، ارتقای همکاری را کارکرد تبلیغی و فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی طلاق و روحانیون، حمایت دفعتی از مبالغان و خانواده ایشان و تقویت نهضت خدمت‌رسانی طلاق و روحانیون به جامعه اسلامی اهداف تفاهم‌نامه مرکز خدمات و سازمان تبلیغات اسلامی است.

رئیس مرکز خدمات حوزه‌های علمیه و رئیس سازمان تبلیغات اسلامی به منظور افزایش همکاری در مجموعه، با هم دیدار و گفت و گو کردند. وی با بیان این که یکی از نامه‌های جدید مرکز خدمات توانمند‌سازی می‌عیشی خانواده‌های طلاق و روحانیون است، افود: در تلاشیم با برگزاری کارکاههای آموزشی فنی و حرفه‌ای و پیوه خانواده‌های روحانیون، آن‌ها حرفای را بای پیکنند تا حاصل بتوانند هریه‌های زندگی خود را کم کرده و به اقتصاد خانواده نیز کمک کنند. رئیس مرکز خدمات حوزه‌های علمیه در ابتدای این جلسه ضمن خدمات مهکاری کرد. خدمات مهکاری دارد. وی از نامه‌هایی که این رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، مجتمعی از معاونان این سازمان، آیینه بازگزاری اردهای خانوادگی و فرهنگی از دیگر محورهای همکاری در مجموعه می‌تواند باشد. رئیس مرکز خدمات حوزه‌های علمیه با رئیس و معاونان این مرکز دیدار و گفت و گو کردند. رئیس مرکز خدمات حوزه‌های علمیه در ابتدای این جلسه ضمن خیریه و مهندسی این سازمان تبلیغات اسلامی، اظهار داشت: این همکاری و هم فکری میان دو سازمان کمک می‌کند تا در این برهه حساس به رسالت اصلی خود بهتر عمل کنیم. حجت‌الاسلام و مسلمین ریاضی با اشاره به رویکرد هدفمندی برتابان دهد و فعالیت‌های مرکز خدمات حوزه‌های علمیه گفت: براساس این رویکرد، تبادل اطلاعات در برهه روز سانی این اطلاعات همکاری کند.

## رواق شهیدان



شهید مدافع حرم  
حجت‌الاسلام  
محمد تقي پوري

همیشه پلاکی بر گردن داشت و آن را کلید بهشت می‌دانست. ارادت به اهل بیت و مقام معظم رهبری امام حامنه‌ای او را شیشه شهادت کرده بود و عاقبت نیز در ظهر اربعین سالار شهیدان کربلا به آزویش رسید و به شهید اربعین معروف شد.

روحانی دفاع حرم شهید میرزا محمد تقی پور از زمزدگان لشکر فاطمیون و اصالحتاً اهل گرگان بود که سال ۱۳۶۱ش در مشهد مقدس دیده

به جهان گشود. او پس از اتمام درس‌های کلاسیک، به تحصیل معارف دینی گرایش پیدا

کرد و راه بزرگان شریعت را در پیش گرفت. در

مدرسه علمیه جعفریه و امام باقی ؑ مشهد

قدام را خواند و پس از آن به شهر مقدس

قم رفت و ده سال آخر عمرش را در جوار حرم

کریمه‌اهل بیت ؑ سپری کرد. دروس حوزه را

تا درس خارج خواند و به موازات آن در مدرسه آموزش و پژوهشی امام خمینی ؑ قم رشته‌های دانشگاهی را کرد.

## فعالیت‌های اجتماعی

حجت‌الاسلام والمسلمین تقی پور، از اعضای شورای مرکزی مؤسسه بلاغ میان ؑ و نیز مسئول گروه جهادی «طراوی ماندگار» بود که در زمینه محیط زست فعالیت می‌کرد. از اقدامات این گروه درختکاری در اطراف قم و تهران بود و نیز قصد داشتنند که مسیر پیاده‌روی نجف تا کربلا را درختکاری کنند.

شهید همچنین از اعضاء اصلی تشکیل دهنده مؤسسه فرهنگی ورزشی «اعلیان» بود که در قالب گروههای کوهنوردی گام‌های مفیدی را در جهت سلامتی و نشاط طلاق گرامی برداشت.

## روحیه انصابی و جهادی

ارادت به ولایت اهل بیت ؑ و ولایت فقیه، روحیه انصابی و جهادی را در او توقیت می‌کرد.

همیشه پلاکی بر گردن داشت و آن را کلید بهشت می‌دانست. در این ایام که دشمنان اسلام و حریم اهل بیت برای انحراف و نابودی دین و دین داران کمر همت بسته‌اند، شیخ تقی پور نیز با بیوستن به جبهه مقاومت کمر همت بست تازی حرم و حریم اهل بیت ؑ دفاع نماید.

(الف) (رسول الله) فقیه به الرسل و ختم به الوحی. (نهج‌البلاغه، مجمع المஹم، خ) (۱۳۳)

## پرشن‌های درباره خاتمتیت

از دیرباز پیرامون مسأله خاتمتیت پرشن‌های طریق بود که در زمینه اشکال‌های جدید نیز بر از افروز شده است، در آینده نیز دگرباش در همین شکل و با قالب‌های مدرن‌تری به بازار عرضه خواهد شد.

از این رهگردانهای دارای نیزه به بعضی از آن‌ها اشاره کرد و به پاسنگویی خواهیم پرداخت:

(الف) با توجه به سیرت‌کمالی بشر، چگونه انسان می‌تواند از رهبری اسلامی محروم باشد؟ (ب) آیا قوانین عصرنیزت می‌توانند در این روزگار جواب گویشند؟ (ج) آیا باقطع شدن وحی و نبوت، باید انسان از ارتباط با (د) حجت و ولایت دینی از آن پیامبر ؑ است و باسته

شدن دن نیزت به مهر خاتمتیت شخصیت هیچ‌کس پشت‌سوی سخن اونیست، بدین معناه که بیان می‌تواند از امراء، او موضع بلا و غالباً بدون استدلال است، به قرآن

و دیگر کتب آسمانی به ندرت استدلال‌هایی، مانند: «لو کان فیها الله لغستاده» (ایمان، آیه ۲۲) یافت می‌شود.

از این رو شیوه سخن پیامبر این است که «ما علی الرسول الایالیه» (نهج‌البلاغه، آیه ۱۳۹۵) بود که در این زمان شهادتش

سه بار در جبهه سوریه حاضر شد. آخرین

اعزامش از طریق گردان ۱۲ حضرت مصطفیه عصمر

تیپ امام جعفر صادق ؑ قم که از قبل عضو آن بود، انجام شد.

## شهید اربعین

سراج‌جام این روحانی جهادگر در ظهر اربعین سال ۱۳۹۶ش بر اثر تله انجرای دشمن در منطقه دیرالزور به شهادت رسید و به شهید اربعین معروف شد.

به یادگار باقی مانده است که انشا‌الله ادامه دهندگان مسیر فکری و جهادی پدر هستند.

تهیه و تنظیم: علی‌اکبریخش

پیش‌بازی: شهید اربعین



می شود، از عطر استفاده می گردد، بانوان با وضعیت حجاب در پیشگاه خداوند متعال حاضر شوند و این تمرينی دائمی برای آشنا شدن زنان در جامعه اسلامی با حجاب و پذیرش این فرهنگ به صورت عمومی که وضعیت حجاب بانوان هرگز موجب تحقیر آنها نیست؛ چنان که شانه زدن و مسوک دن و عطر زدن موجب تحقیر نیست؛ بلکه نشان می دهد، زیبایی و شکل تین حالت باری بانوان در پیشگاه خداوند متعال، داشتن چنین حجابی است و این فرهنگ وقیعی در نماز اعماقات شود، فرهنگی عمومی و قابل قبول باری همه مسلمانان خواهد بود، جویزگران این است، چون شکستن نماز حرام است و ممکن است، در حال نماز نامحرم وارد شود و خانم نمازگزار نتواند حجاب را رعایت کند، پس با حفظ حجاب وارد نماز می شود که اگر امامحرم هم وارد شود، مجرور بشاشد که نماز را بشکند. ممکن است، کسی تصویر کند پس حجاب در نماز واجب نیست و اگر مثلاً نامحرم وارد شود، نیازی بر حجاب نیست. پاسخ منطقی است یا این که می گویند: چرا باید با مانع محروم نیست، چرا باید حجاب را رعایت کنیم، دو نکته پیش گفته رامی شود و خانم نمازگزار نتواند حجاب را رعایت کند، پس با حفظ حجاب و محترمانه در خروج کرامت نز لائق شود و نکته دیگر و فرعی تر این است که موضوع شکستن نماز اعماق نیفتد؛ اما به هیچ عنوان، سخن این نیست که رعایت حجاب در نماز واجب نباشد.

#### آیا بی حجابی حرم است و حکومت می تواند بد حجاب باشی و بی حجاب های رامجازات کند؟

■ بی حجابی امری حرام است؛ زیرا وقتی مطلبی امری شود و صورت وجود بخود می گیرد، همان طور که در ایات قرآن ملاحظه شد که به صورت امر صادر شده از حجاب توپیخ دادیم که حجاب توسط حکومت اسلامی در زمانی شده، ترک واجب قطعاً حرام است. قبلاً هم توپیخ دادیم که حجاب توسط حکومت اسلامی در زمانی که اسلام از نظر سیاسی، اقتصادی، مباحث اجتماعی، ایجاد تمدن نوین و قدرت یابی و تسليط در عده عالم و جهان به لحاظ نظامی، سلطه کافی بافته بود، مطற شد؛ این که طرح مسئله حجاب در آغازین روزهای پیدایش اسلام باشد؛ البته نکته مهم این است که در گذشته مسئله حجاب موجود بوده ولی کافی نبوده و به صورت مطلوب رعایت نمی شده است؛ یعنی اصل حجاب بوده و جلب و خمار را بخوده؛ ولی به وضعیت مطلوب که غلط نشانی از طرح حجاب را باید تأمین می کرده و این پوشش ناقص، به تنها عفت عمومی را باید نمی کرده بلکه گاهی به غفت عمومی نیز ضریبه زده است که درباره شان نیول خماره آن اشاره شد.

باید پذیریم که رعایت حجاب نیز کار آسانی نیست. این که زنان مو، اندام، دستها و یا یاد خود را پوشانند، کار ساده‌ای نیست؛ حتی می بینیم، قرآن فرموده که سخن گفتن خود را نیز مرد مراقبت قرار دهنده؛ حرف زدن باید متعارف و بدون پیام و بدون تحریک و خالی از هر نوع جلب توجه جنس مقابله باشد. حتی قرآن تجویج و خودنمایی بانوان را منمنع کرده است. بانوان حق تجویج و خودنمایی در بیرون از خانه ندارند و چون اینها یک تکلیف خاص است و مردان چنین تکلیفی ندارند، رعایت آن نیز کار آسانی نیست؛ پس این تکلیف مهم باید در یک شرایط ویژه ای را بانوان تعریف شود. به خصوص در شرایط فعلی در جامعه ما که بی حجابی و خودنمایی به عنوان یک سرمایه اجتماعی در سطح جهان باری زبان مطروح است و هر روز عدهای می گوشند که چاشنی آن سرمایه اجتماعی که در قرارداد زنان زیرپوشش و حجاب والزم به آن امری دشوار است. این که از بانوان بخواهیم ازین سرمایه اجتماعی که البته از نظر مسلمان این گونه موارد، سرمایه اجتماعی نیست و موجبات تخریب شخصیت زنان را فراهم می کند، قانع کردن بسیاری از اشخاص و بانوان به حجاب امری دشوار شده است؛ لذا می بینیم، هر چه کوشش و از هر راهی وارد می شویم تا بانوان را به حجاب مورد نظر اسلام الام کیم، در بسیاری از موارد باشکستن مواجه می شویم. این گونه نیست به آن تذکر داده است و حق به زنان خطاب فرموده که پاهاي قرار بگیرد و تأمین نشود، قرآن نیست به آن تذکر داده است و حق به زنان خطاب فرموده که پاهاي خود را بخوده بعثت مطهري در کشورهای مطرح آن روز وجود داشته است، عنوان کرده و توضیحات مفیدی داده اند. به هر گذشته در کشورهای مطرح آن روز وجود داشته است، عنوان کرده و توضیحات مفیدی داده اند. بازگشت ریشه جزیره عربستان؛ بلکه در کل جهان امر حجاب، امری مقبول و پذیرفته شده بوده است. شهید مطهري در کتاب ارشمند مسئله حجاب به این موضوع پرداخته اند و حجاب را که در اعصار است و مسئولیت های خانه داری و مادری نیز ایشان را از کار علمی باز نداشته است. ایشان در حال حاضر عضو هیأت امنای جامعه الزهراء<sup>علیها السلام</sup> و مشغول تدریس خارج فقه و دیگر متون درسی در این مرکز آموزشی بین المللی می باشند. بازگشته کل گیری در گفت و گوی اختصاصی با هفته نامه «افق حوزه» پاسخ گویی برخی از سوالات مهم پیرامون موضوع حجاب و عفاف بودند که در ادامه تقديم خوانندگان ارجمند می شود.

# تبیین حقوق و کرامت زن در اسلام و کار کردهای عفاف و حجاب در جامعه اسلامی

## گفت و گو با سرکار خانم گل گیری



استاد سرکار خانم «معصومه گل گیری» در سال ۱۳۴۵ تحصیلات علوم دینی را در آبادان شروع کرد و در سال ۱۳۵۰ پس از هجرت به شهرقدس قم، هسته اولیه مدرسه علوم دینی خواهاران را که در آن دوران «مکتب» نامیده می شد، با تحسیل خود و همدردی هایشان در قم شکل داد، وی تحصیلات را با جدیت و پشتکار پی کرفت و به مراتب ارزشمندی نایل گردید. استاد بازو گل گیری درمسر و چهار فرزند است و مسئولیت های خانه داری و مادری نیز ایشان را از کار علمی باز نداشته است. ایشان در حال حاضر عضو هیأت امنای جامعه الزهراء<sup>علیها السلام</sup> و مشغول تدریس خارج فقه و دیگر متون درسی در این مرکز آموزشی بین المللی می باشند. بازگشته کل گیری در گفت و گوی اختصاصی با هفته نامه «افق حوزه» پاسخ گویی برخی از سوالات مهم پیرامون موضوع حجاب و عفاف

ه دیدگاه اسلام درباره اهمیت حجاب و عفاف را تشریح بفرمایید. چرا دین اسلام روی این مسئله تأکید دارد؟

نکته قابل توجه این است که دین اسلام، آورده، مدعی و مبتکر حجاب نیست؛ چنان که از قرآن مجید است و هر جایه سود و حجاب را با جدیت و پشتکار پی کرفت و به مراتب ارزشمندی نایل گردید. استاد بازو گل گیری درمسر و چهار فرزند را با موضعی پرداخته اند و حجاب را که در گذشته در شبهه جزیره عربستان؛ بلکه در کل جهان امر حجاب، امری مقبول و پذیرفته شده بوده است.

شہید مطھری در کتاب ارشمند مسئله حجاب به این موضوع پرداخته اند و حجاب را که در اعصار

نه تهای در کشورهای مطرح آن روز وجود داشته است، عنوان کرده و توضیحات مفیدی داده اند. به هر

حال حچه به عقب برگردیم و به گذشته بشنگاه کنیم، می بینیم که از روزی که پرسنل خود زنین آمدند و حیاشان را آغاز کردند، مسئله پوشش به عنوان امری مطرح و قابل قبول بوده و قرآن کریم به این مسئله اشاره دارد. عبارتی که در قرآن کریم وجود دارد این است که «وطفقاً يخصفان عليهما من روق الحجه» یعنی

و قیل لباس هایشان [حضرت آدم و حجاب را بدون لباس دیدند، با این که هر دو نفر

نسبت به هم محروم و زن و شوهر بودند و پیبدن قسمتی به همین بدان مشکل ایجاد نمی کرد، مع الوصف

قسمت هایی از زدن خود را به تعبیر قرآن کریم پوشانند و از برگز های بهشت ایشان در خودشان قرار دادند.

معلوم می شود، حجاب چیز مطلوب بوده و بطور قطعی و طبیعی با این که هنوز فرمائی صادر شده بود و

ایشان در بحث حجاب و حجاب را پوشاند، بازگشت ریشه که ترک گاه و حفظ دام از لوگی اهمیت زیادی دارد و

نگاه داشته باشند که خطاب قرآن کریم به زنان نیز

قدار بگیرد و تأمین نشود، قرآن نیست به آن تذکر داده است و حق به زنان خطاب فرموده که پاهاي

خود را بخوده بعثت مطهري در گذشته خمار و روسی داشتند؛ اما به گونه ای نیزه که هنوز فرمائی صادر شده بود و

نما و پیدایش انسان را بروی زمین آغشته شده است، زینت هایشان اشکار نشود.

خود به زمین، آشکار نکنند.

شہید مطھری در قرآن کریم می ذکر کند که این سرمهی من روق الحجه» یعنی

و قیل لباس هایشان [حضرت آدم و حجاب را بدون لباس دیدند، با این که هر دو نفر

نسبت به هم محروم و زن و شوهر بودند و پیبدن قسمتی به همین بدان مشکل ایجاد نمی کرد، مع الوصف

قسمت هایی از زدن خود را به تعبیر قرآن کریم پوشانند و از برگز های بهشت ایشان در خودشان قرار دادند.

معلوم می شود، حجاب چیز مطلوب بوده و بطور قطعی و طبیعی با این که هنوز فرمائی صادر شده بود و

ایشان در بحث حجاب و حجاب را پوشاند، بازگشت ریشه که ترک گاه و حفظ دام از لوگی اهمیت زیادی دارد و

نگاه داشته باشند که خطاب قرآن کریم به زنان نیز

قدار بگیرد و تأمین نشود، قرآن نیست به آن تذکر داده است و حق به زنان خطاب فرموده که پاهاي

خود را بخوده بعثت مطهري در گذشته خمار و روسی داشتند؛ اما به گونه ای نیزه که هنوز فرمائی صادر شده بود و

نما و پیدایش انسان را بروی زمین آغشته شده است، زینت هایشان اشکار نشود.

زینت هایشان [حضرت آدم و حجاب را بدون لباس دیدند، با این که هر دو نفر

ایشان در بحث حجاب و حجاب را پوشاند، بازگشت ریشه که ترک گاه و حفظ دام از لوگی اهمیت زیادی دارد و

نگاه داشته باشند که خطاب قرآن کریم به زنان نیز

قدار بگیرد و تأمین نشود، قرآن نیست به آن تذکر داده است و حق به زنان خطاب فرموده که پاهاي

خود را بخوده بعثت مطهري در گذشته خمار و روسی داشتند؛ اما به گونه ای نیزه که هنوز فرمائی صادر شده بود و

نما و پیدایش انسان را بروی زمین آغشته شده است، زینت هایشان اشکار نشود.

زینت هایشان [حضرت آدم و حجاب را بدون لباس دیدند، بازگشت ریشه که ترک گاه و حفظ دام از لوگی اهمیت زیادی دارد و

نگاه داشته باشند که خطاب قرآن کریم به زنان نیز

قدار بگیرد و تأمین نشود، قرآن نیست به آن تذکر داده است و حق به زنان خطاب فرموده که پاهاي

خود را بخوده بعثت مطهري در گذشته خمار و روسی داشتند؛ اما به گونه ای نیزه که هنوز فرمائی صادر شده بود و

نما و پیدایش انسان را بروی زمین آغشته شده است، زینت هایشان اشکار نشود.

زینت هایشان [حضرت آدم و حجاب را بدون لباس دیدند، بازگشت ریشه که ترک گاه و حفظ دام از لوگی اهمیت زیادی دارد و

نگاه داشته باشند که خطاب قرآن کریم به زنان نیز

قدار بگیرد و تأمین نشود، قرآن نیست به آن تذکر داده است و حق به زنان خطاب فرموده که پاهاي

خود را بخوده بعثت مطهري در گذشته خمار و روسی داشتند؛ اما به گونه ای نیزه که هنوز فرمائی صادر شده بود و

نما و پیدایش انسان را بروی زمین آغشته شده است، زینت هایشان اشکار نشود.

زینت هایشان [حضرت آدم و حجاب را بدون لباس دیدند، بازگشت ریشه که ترک گاه و حفظ دام از لوگی اهمیت زیادی دارد و

نگاه داشته باشند که خطاب قرآن کریم به زنان نیز

قدار بگیرد و تأمین نشود، قرآن نیست به آن تذکر داده است و حق به زنان خطاب فرموده که پاهاي

خود را بخوده بعثت مطهري در گذشته خمار و روسی داشتند؛ اما به گونه ای نیزه که هنوز فرمائی صادر شده بود و

نما و پیدایش انسان را بروی زمین آغشته شده است، زینت هایشان اشکار نشود.

زینت هایشان [حضرت آدم و حجاب را بدون لباس دیدند، بازگشت ریشه که ترک گاه و حفظ دام از لوگی اهمیت زیادی دارد و

نگاه داشته باشند که خطاب قرآن کریم به زنان نیز

قدار بگیرد و تأمین نشود، قرآن نیست به آن تذکر داده است و حق به زنان خطاب فرموده که پاهاي

خود را بخوده بعثت مطهري در گذشته خمار و روسی داشتند؛ اما به گونه ای نیزه که هنوز فرمائی صادر شده بود و

نما و پیدایش انسان را بروی زمین آغشته شده است، زینت هایشان اشکار نشود.

زینت هایشان [حضرت آدم و حجاب را بدون لباس دیدند، بازگشت ریشه که ترک گاه و حفظ دام از لوگی اهمیت زیادی دارد و

نگاه داشته باشند که خطاب قرآن کریم به زنان نیز

قدار بگیرد و تأمین نشود، قرآن نیست به آن تذکر داده است و حق به زنان خطاب فرموده که پاهاي

گفت و گویی نافع هست؛ ولی کم فایده است. در مفهوم بسیط دعوت نیز برخی خیال می‌کنند، دعوت به خیر در قرآن کریم، یعنی اینکه باید یک طرفه حرف زد و اندیشه خود را به گونه‌ای به پیروان سایر ادیان عرضه کرد که بالاخره تحت تأثیر قرار بگیرند و پذیرند و اصلاً در مفهوم دعوت این را دخیل نمی‌دانند که باید به دیگری نیز اجازه حرف زدن داد. به اندیشه‌ای که شما حرف می‌زنید، اجازه بهدید او نیز حرف‌هایش را بگویید. او نیز دین و عقایدش را معرفی کنند. معتقدم باید این دو را ادغام کرد و مفهوم مشترک هر دو را گرفت. هم گفت و گو باید هدفمند باشد؛ یعنی در آن نباید به معرفت دوطرفه صرف اکتفا شود و معرفت متقابل باید با یک جهت‌گیری و رویکرد مشخص باشد. رویکرد و هدف مشخص این است که مخاطب ما از پیروان سایر ادیان، با اندیشه‌های صحیح و تابناک اسلام که فراتر و برتر از اندیشه‌های سایر ادیان است، آشنا بشود و به حقانیت آن‌ها پرید و آن‌ها را پذیرد و به ضعف برخی اندیشه‌های خودش واقف شود و آن‌ها را رها کند. تعریف بنده از گفت و گو این است؛ یعنی تصحیح، تکمیل و غنی‌سازی دیدگاه طرف مقابل؛ چنان‌که من معتقدم اگر مبلغان دین اسلام بخواهند، در تبلیغ اسلام برای دیگران و دعوت آنان موفق شوند، نباید مستقیم و صریح آنان را به مطالعه قرآن، احادیث و کتب اسلامی و پذیرش اسلام دعوت کنند. چون آن‌ها هم به حقانیت دین و آئین خود یقین دارند و اسلام را باطل می‌دانند و هیچ انگیزه‌ای برای یافتن حقیقت در دین دیگری ندارند. چنان‌که هیچ انگیزه ندارند که ساعت‌ها وقت خودشان را صرف شنیدن سخنرانی‌های من مسلمان کنند، جزیرخی افراد محقق و کنجکاو؛ لذا باید روش جذابی انتخاب کرد؛ مثلاً اول حرف‌های مخاطب را بشنویم و مطالب صحیح‌اش را تأیید کنیم و مشترکات این انتخاب کنیم. تا اینجا نیز در این ایام

فراروان را بیان کنیم تا احساس خودی بود پیدا کند و بعد به مرور وارد مسائل اختلافی شویم.

ه) این جعل اصطلاح نمی‌شود؛ چون تعریف گفت و گو این نیست. با این پیش‌فرض که من درست و حق هستم و تو اشتباه، می‌توان وارد گفت و گوشد؟

ب) این پیش‌فرض قطعی است. هر کسی که وارد گفت و گو می‌شود، این پیش‌فرض را دارد. اختصاصی به ما مسلمان‌ها هم ندارد. آن‌هایی که می‌گویند: نباید با پیش‌فرض وارد گفت و گو شد، نمی‌گویند: پیش‌فرض وجود ندارد؛ بلکه می‌گویند: پیش‌فرض هایاتان را در روند گفت و گو دخالت ندیدهند. نگویید من حقم تو باطل و می‌خواهم تورا هدایت کنم؛ چون طرف مقابل آمادگی ندارد و این تحکم، زور و استبداد می‌شود. گفت و گو را از حالت بی‌طرفی و اعتدال نباید خارج کرد. پس پیش‌فرض‌ها را همه دارند؛ اما نباید در ساختار گفت و گو خالت بدene. ماساختار گفت و گو را باید از قرآن درس بگیریم که خداوند در آیه ۲۴ سوره سبا به پیامبر اکرم ﷺ تعلیم می‌دهد که با مشرکان این چنین گفت و گو کن و بگو ... و إِنَّا أُولَئِكَ الَّذِينَ هُدُوا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ. به نظر من رویکرد همه ادیان نه تنها من روحانی مسلمان، این است که بتوانند حقانیت خودشان را بیان کنند و اشتباه بودن دیدگاه‌های طرف مقابل را برایش افشا کنند. این‌که برخی می‌گویند: ما پیش‌فرض نداریم، مخاطب را فریب می‌دهند. واقعاً دارند. اگر ندارند پس چرا حرف می‌زنند و تلاش می‌کنند؟

ه) مراکز گفت و گوی ادیان مدعی‌اند که اهداف زیاد دیدگری هم غیر از این‌که کسی را به دین خودمان دریابویم، مطرح است: مثل افزایش انسجام اجتماعی، مبارزه با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز دینی، جلوگیری از سوءتفاهم‌ها، پیش‌گیری از جنگ و مقابله ادیان با یکدیگر، استقرار صلح ... و لذا لازم نمی‌دانند که در گفت و گوی ادیان به اثبات حقانیت اسلام و تشویع بپردازیم و بطلان عقاید آن‌ها، اثبات کنیم.

• به، گفت و گویی بین ادیان و مذاهیب می‌تواند اهداف کوتاه‌مدتی داشته باشد: مثل همین اهدافی که برشمردید. در این گونه شرایط، نایاب وارد اختلافات عقیدتی شد؛ اما واقعه قضیه این است که در صورت رویکرد به همین اهداف کوتاه‌مدت نمی‌توانیم از بیان نظرات و آرای خود امساک کنیم. به این اهداف و تنش زدایی نخواهند رسید؛ جز با داشتن این رویکرد. کدام رویکرد؟ این که صحت حرف خودش را برای مخاطب بیان کند. اگر بیان نکند که تنش از بین نمی‌رود. می‌گویند جنگ مذهبی و دینی نداشته باشیم. دو رهبر از دو دین یا مذهب وارد گفت و گویی شوند تا جنگ و تنش را متوقف کنند. خب هر کدام چگونه می‌خواهد تنش را از بین ببرد؟ می‌خواهد برخی نکات و حقایق خودش را تبیین کنند و گرنه طرف مقابل متقابل نمی‌شود و جنگ را ادامه می‌دهد. مثلاً می‌گوید هدف ما تجاوز به حقوق و سرمیم و دین شما نبود. هدف ما این بود، گوگانی که از ما گرفته‌اید را آزاد کنیم؛ ولی نمی‌خواستیم از شما گروگانی بگیریم یا بمی‌بردمتان بیندازیم. می‌خواستیم فقط بخشی از آن ساختمانی که گروگان ما را نگه داشته‌اید، تخریب کنیم. می‌خواهد و تلاش می‌کند، حقایق خودش را ثابت کند.

پس این رویکرد را دارد تا طرف مقابل را قانع کند و تنش را از بین ببرد. بالآخر می‌خواهد طرف مقابل چیزی را پیداورد و اقناع شود. این اقتاع گاهی برای یک موضوع جزیی است و گاهی برای یک موضوع کلی؛ گاهی سیاسی است و گاهی عقیدتی و... پس هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید: من گفت و گویی کنم، بدون این رویکرد تبیین حقایق سخن خودم و خطای سخن مخاطب. مدعیان گفت و گویی بدون این رویکرد و بدون پیش‌فرض، قصد فریب جامعه را دارند. باید با صراحت اعلام کنند که می‌گوییم: هدف ما تبیین صحت ادعای خودمان و تبیین خطای دیدگاه شما از نظر خودمان است. این صراحت و صداقت در گفت و گویی دینی لازم است.

# بررسی و تبیین گفت و گوی ادیان و مذاهب از نگاه قرآن

ئفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین زمانی

بخش اول

که کارشناس حبیرگزاری حوزه، در راستای سلسله هفت و نوها با چهره‌های ادبیاتی و مذاهبه در حوزه علمیه، دفتر ادبیات و مذاهبه در حوزه علمیه با حاجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسن زمانی مسئول دفتر اجتماعی-سیاسی حوزه‌های علمیه به گفت‌وگو نشسته است. آن‌چه در پی می‌آید، قسمت اول این گفت‌وگو است که تقدیم خواندگان عترم نشیره افق حوزه می‌شود.

■ شما بخشی از آیه شریفه را خواندید و البته غرضتان نقل اشکال غربیان است. کسانی که آیات قرآن را تجزیه می‌کنند و بخشی از آیه را می‌گیرند و ادعایی کنند، قرآن دستور به قتل همه کفار داده است و توجه به بخش‌های دیگر آیه و آیات دیگر ندارند. این جمله‌ای که قرائت کردید، بخشی از آیه ۳۴ تو به است که کاملش این است «وقاتلوا المشرکین کافةً كما يقاتلونكم كافةً». ملاحظه می‌فرمایید: این فرمان مربوط به مشرکانی است که باتمام وجود به مقاتله و کشتار مسلمانان پرداخته‌اند. مستشرقان از این جمله‌های برپایه از آیات قرآن متعدد پیدا کرده و تبلیغ کرده‌اند؛ مانند «وقاتلواهم حيث ثقفتهموهم وأخْرُجُوهُم...»؛ یعنی هر کجا مشرکی پیدا کردید، بکشید. آن‌ها شاید عمدتاً یا سهواً توجه به ادامه آیه نکردند که مربوط به مشرکانی است که با مسلمانان مقاتله می‌کنند و

A portrait of Ayatollah Khamenei, the Supreme Leader of Iran, wearing a white turban and glasses, looking slightly to the right.

این ایه می فرماید؛ نسبت به کفاری که شما را نمی کشند و از سرزمینتان اخراج‌تان نکرده‌اند و تجاوزی به سرزمین شما نکرده‌اند، خداوند شما را نهی نمی کند، از این‌که با آن‌ها برو و نیکی کنید و قسط و عدالت بورزیز. آیه بعدی نسبت به محاربین می فرماید: «إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَى إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تُولُّهُمْ وَمَنْ يَتُولَّهُمْ فَأُولَئِكُمْ هُمُ الظَّالِمُونَ»؛ مثل یهودی‌های سرزمین اسرائیل که فلسطینی‌ها را بیرون کردند. خداوند می فرماید با این‌ها حق دوستی و رابطه مسالمت آمیز ندارید. باید از خودتان دفاع کنید و آن‌ها را از سرزمین اسلامی بیرون کنید. پس نسبت به کفار و مشرکان دنیا اگر به ما حمله نکنند، ما به نیکی و عدالت با آن‌ها رابطه خواهیم داشت. برو نیکی یعنی اگر فقیری داشتند، ما از بیت‌المال خودمان به فقیر کارکم کنیم.

▪ برمی‌گردیم به موضوع گفت‌وگوی ادیان. ظاهراً مراکز گفت‌وگوی ادیان فقط تعارفات دوستانه دارند و احیاناً پیرامون مشترکات صحبت می‌کنند؛ اما دعوت پیروان ادیان به اسلام موضوع دیگری است. اکنون این بحث‌ها این سؤال را به ذهن می‌آورد که فرق بین

سیره پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام به گزارش تاریخ سیره گفت‌وگوی ادیانی با اهل کتاب و غیر اهل کتاب بوده است. علامان و پیروان ادیان با پیامبر اکرم ﷺ گفت‌وگوی دینی داشتند. در مسجد النبی ﷺ یک اسطوانه الوفود هست که گروه‌های مختلف از مناطق مختلف برای دیدار با پیامبر اکرم ﷺ می‌آمدند و کنار آن ستون خدمت حضرت می‌نشستند. آن جا زیگاکه‌های گفت‌وگوی ادیان است.

اسلام آوردن بسیاری از آن‌ها نیاز برکات و ثرات این دیدارها بود.

علاوه بر این گفت‌وگوها، بخشی از مناظر ایضاً که پیامبر اکرم ﷺ داشتند؛ مثل گفت‌وگوی مسیحیان نجran نیز گفت‌وگوی ادیان است.

ی حفظ اموال و آبروی آنان باشد. چنان‌که الان س و پاسدار جمهوری اسلامی ایران جانش را می‌کند تا جان، مال و آبروی شهروندان مسیحی، یهودی و... رانجات دهد. ما اهل کنگ و خشنونت مستقیم نیستیم؛ اما اهل دفاع هستیم. اگر متباوری حمله کند، وظیفه دفاع است؛ «فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم واقعوا الله واعلموا الله مع المتغیرین». این دفاع یک امر واجب است. افتخار می‌کنیم که جامعه اسلامی یک معهده ظلم پذیر و ذلت پذیر نیست. دفاع یک اصل عقلانی است. بشرو هیچ انسان عاقلی دانمی شود که بگوید: من معتقد به تسلیم در برابر ظلم و تجاوز هستم. وجود دفاع در اسلام با اصل گفت و گوی سلم و حفظ پیمان‌های دوستی با کفار کتابی و غیرکتابی تعارضی ندارد.

چرا قرآن امر به قتل همه مشرکان نموده و فرموده است: «وقاتلواالمشرکین كافة»

▪ موضع گفت و گوی ادیان نسبت به گفت و گوی ادیان چگونه است؟

▪ در دهه های اخیر در حوزه های علمیه رسماً مطرح شد و بنasat، مرکز مدیریت و پژگان حوزه برنامه های خاصی را داشته باشند.

▪ در آغاز لازم است ببینیم، آیا این موضع برگرفته از رسالت دینی و متون ماست یا خیر؟ اگر واجب دینی باشد، طبعاً باید مورد اهتمام جدی علماء، اساتید و طلاب قرار گیرد. در مهم ترین منبع ما یعنی قرآن کریم، آیات متعددی داریم که ما را به طرف گفت و گوی ادیان سوق می دهد.

▪ بارگزین آیه نسبت به این موضع آیه شریفه «قل يا اهل الكتاب تعالوا إلی کلمة سوء بیننا و بینکم لأن عبد إلا الله» ولا نشرک به شيئاً ولا يتخذ بعضنا بعضاً أرباباً من دون الله» می باشد. با الهام گیری از این آیه شریفه چند نکته قابل توجه است؛ نکته اول این که این آیه شریفه پیامبر اکرم ﷺ را به گفت و گوی اهل کتاب امر می کند. امر هم ظهور در وجوب دارد؛ یعنی تا قرینه ای نباشد، ما شرعاً امر را دال بر وجوب می دانیم و این جا نه تنها قرینه صارفه از وجوب نداریم؛ بلکه مؤید داریم؛ لذا مدلول این آیه کریمه وجوب دعوت اهل کتاب و گفت و گوی آن ها بر پیامبر ﷺ است.

▪ دعوت اهل کتاب به گفت و گوی دینی بر پیامبر مستحب نبود؛ بلکه واجب بوده است. نکته دوم این که اگرچه مخاطب این آیه پیامبر بزرگوار اسلام بوده است؛ اما قطعاً شخص ایشان موضوعیتی در این تکلیف نداشته اند؛ بلکه به عنوان این که پیشوای دین اسلام بوده اند، این حکم روی عنوان پیشوایی و عالم بودن به اسلام آمده است. بعداز ایشان ائمه معصومین علیهم السلام مخاطب «قل» هستند. بر ایشان نیز ارتباط با ادیان، تکلیف شرعی بوده و آن بزرگواران اقدامات فراوانی در دعوت و هدایت پیروان دیگر ادیان انجام دادند. بعداز شهادت ائمه علیهم السلام و شروع دوران غیبت، مخاطب «قل» و ارثان انبیا یعنی علمای دینی می شوند. پس تمام علمای دینی که توان این کار را دارند، مخاطب این «قل» هستند. به نظر من دعوت مسیحیان، یهودیان و پیروان ادیان گوناگون به اسلام و گفت و گوی دینی با آن ها یک واجب شرعی است. سخت است اظهار این جمله که تعدادی از علماء و روحانیون حوزه که توانمندی اینکار را داشته ایم و انجام ندادیم، باید در پیشگاه خداوند عذرخواهی کنیم.

▪ حوزه بیان باید از امروز به جبران تقصیر یا قصور خوشان پیردازند و فعالله وارد گفت و گوی ادیان بشوند. نکته سوم این آیه شریفه، این است که موضوع و محور دعوت باید مشترکات باشد. این شیوه گفت و گوی بین ادیانی است که خداوند به ما آموزش می دهد. در آغاز گفت و گوی نباید وارد اختلافات شد؛ چون موارد اختلافی ناسارگاری ایجاد میکند و مخاطب آمادگی برای پذیرش ندارد. به این نحو او احساس می کند، می تواند به ما دل بهده و در کنار ما پنهانی و گفت و گوی بکند و خوش بین باشد که ما مشترکاتی داریم و حرف های او را تا حدی قبول داریم و او را باطل مطلق نمی دانیم. نکته چهارم این است که مشترکات، آغاز گفت و گوی های بین ادیانی است؛ اما سپس باید مسائلی که پیروان ادیان به مرور زمان از گفت و گوی بین ادیانی علاوه بر تأکید و تقویت مشترکات، تبیین آرام آرام اختلافات و اطلاع رسانی واقعیات است. این آیه یکی از ده ها آیه ای است که نسبت به گفت و گوی ادیان وجود دارد. پیشنهاد من به پژوهشگران حوزه گفت و گوی با پادشاه زمان خودش می شود، آیاتی که حضرت موسی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام با دیگران گفت و گوی می کنند و گزارش هایی که قرآن کریم، از گفت و گوی انبیای الهی یا پیروانشان با پیروان سایر ادیان می دهند، بخشی از این مجموعه است.

▪ آیه شریفه ای که اشاره فرمودید، شامل گفت و گوی با اهل کتاب می شود. دیدگاه قرآن کریم به گفت و گوی ادیان غیرکتابی و ادیان شرقی چگونه است؟

▪ آیه اولی که اشاره کرد، به اهل کتاب اشاره دارد؛ اما آیاتی که در بخش دوم اشاره کرد، حضرت موسی علیه السلام با پادشاه زمان خودش صحبت می کرد. این ها مربوط به ادیان شرک آمیز است و اهل کتاب نبودند. گفت و گوی حضرت ابراهیم علیه السلام با نمrod درباره کیستی خدا، یک گفت و گوی ادیانی با مشترکان است. دیالوگ حضرت موسی علیه السلام با فرعون و فرعویان یک دیالوگ ادیانی با ادیان غیرابراهیمی است. قرآن کریم هر دو مورد را درگارش می کند.

▪ علاوه بر این ها، قرآن کریم در آیاتی نحوه گفت و گوی با پیروان ادیان غیرآسمانی و مشترکان را نیز آموزش می دهد. «ولن سألتهم من خلق السماوات والأرض ليقولن الله. أمن خلق السماوات والأرض وأنزل لكم من السماء ماء فأئني توفكون فأئني تصرقون؟» یعنی ای بت پرسن ها! چرا به جای خدا اریاب دیگری گرفته اید؟! بنابراین مشترکان، مخاطب بسیاری از گفت و گوی های دینی در قرآن بودند و پیامبر اکرم ﷺ در عمل با هر دو گروه اهل کتاب و غیر اهل کتاب گفت و گوی داشتند.

▪ پاسخ حضرت عالی به این شبهه چیست که قرآن کریم در اوایل ظهور اسلام لحن نزم تری در این خصوص دارد؛ اما پس از دست یابی به قدرت از لحن شدیدتر و سخت تری استفاده می کند تا جایی که می فرماید: «واقتلواهم حيث ثقفهموهم». این دست از آیات را که لحن خشنی دارد، با دسته دیگر آیات که دعوت به گفت و گوی می کند، چگونه جمع می کنید؟

▪ فرق بین دوران مکه و مدینه سخن حقی است؛ اما یک





استان مازندران  
در شماره جسته ترین  
استان های کشور از جنبه های  
مادی و معنوی است  
ومرد مزبور مؤمن و اقلابی آن  
در آزمون های متعدد  
در نظام جمهوری اسلامی  
متخر و سرپرند ظاهر شده اند.

در کمیته اخلاق دانشگاه علوم پزشکی مازندران نیز برخی از سوابق  
دانشگاهی نماینده جدید ولی فقیه در مازندران است.  
وی در سال ۷۲ پس از افزایش پذیرش به درخواست مردم به شهرت کا  
مراجعةت و به ارشاد و تبلیغ و اداره مسجد و حوزه و دفتر مراجعت  
مردمی محروم پذیرش و حل و فصل امور مشغول شد و از همراه سال  
۷۵ مسئولیت امامت جمعه شهرستان نکارآباد را بعده داشت.  
محمدی ایشانی سال ۱۳۸۰ به عنوان «امام جمعه نمونه» کشوری  
معزیز و قبل از آن در سال ۱۳۷۷ از سوی شورای سیاستگذاری  
انه جمیع کشورهای عرب از نویوان «امام جمعه متاز» شناخته شد.  
کتاب استعدادهای زن، نگرشی به تضوف، تحقیقات و  
تالیفات، عبارها و عوامل تمدن از نظر قرآن کریم بخشی از تالیفات  
منتشره از سوی حجت الاسلام والمسلمین محمدی ایشانی است.  
دیگر تدریس در دانشگاه بعد از اتفاق اسلامی مامور شد.  
وی یک سال در دانشگاه صنعتی شریف و تا سال ۲۲ در دانشگاه  
تهران و از آن به بعد تاکنون در دانشگاه علوم پزشکی مازندران  
همایه ایشانی پس از بازگشایی دانشگاه در سال ۶۱ در دانشگاه  
صنعتی شریف و تاریخ اسلام مسئول شد و همراه چند روحانی  
و تربیت اسلامی و تاریخ اسلام مسئول شد و داشت.  
دیگر تدریس در دانشگاه بعد از اتفاق اسلامی مامور شد.  
وی یک سال در دانشگاه صنعتی شریف و تا سال ۲۲ در دانشگاه  
تهران و از آن به بعد تاکنون در دانشگاه علوم پزشکی مازندران  
به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران  
فعالیت علمی دارد.

## با حکم رهبر معظم انقلاب اسلامی انجام شد

### انتصاب نماینده ولی فقیه در استان مازندران و امام جمعه ساری

مراسم تکریم آیت الله نورالله طبری و معارفه حجت الاسلام والمسلمین محمدی ایشانی نماینده ولی فقیه در مازندران  
با حضور حجت الاسلام محمدی گلپایگانی رئیس دفتر مقام معظم رهبری، ایشانی نماینده جدید ولی فقیه در مازندران  
حج على اکری رئیس دفتر شورای سیاستگذاری ائمه جمعه کشور، علماء، روحانیان، نمایندگان مجلس، مستولان استان  
۶ آبان در ساری برگزار شد. در این مراسم ضمن تکریم خدمات چهل ساله آیت الله طبری، حجت الاسلام والمسلمین  
محمدی ایشانی در حوزه علمیه اسلامی ایشانی به عنوان نماینده جدید ولی فقیه در مازندران و امام جمعه ساری معرفی شد.

مراجعت و به دستور حضرت آیت الله کوهستانی در کوهستان  
به شهر مسقتو رو به تدریس در حوزه علمیه مشغول شد.

وی پس از مراجعت خانوادگی به ایران و رسیدن اوان تحصیل و  
آموختن تاسال ۱۳۴۴ هجری شمسی در محیط خانواده و حوزه های  
کوهستان ولای ادامه تحصیل داده در این سال به حوزه علمیه قم  
رفت.

حجت الاسلام والمسلمین محمدی ایشانی درس خارج فقه را  
در محضر استادی چون آیات فاضل لنکرانی، صلوتی، سنتو،  
اعتمادی، سلطانی، سیاپایوالفضل موسوی تبریزی و دوزدوزانی  
تلذم کرد. وی هم چنین یک دوره خارج اصول را زیر مرحوم آیت الله  
میرزا شاه اسماعلی به مدت ۹ سال گذراند.

وی از سال ۱۳۶۰ وارد مؤسسه در راه حق شد و مدت شش سال در  
برامنه های آموخته آن شرکت کرد. کتاب های فلسفه و اقتصاد،  
مکتب های فلسفی، عرب، معارف قران، فلسفه اخلاق، نهایه  
الحکمه، برهان شفای، جلد های ۸ و ۸۱، اسفار، دروس فلسفه و پرخی  
برنامه های آموخته جنیه در زمینه تبریز، حقوق، ادبیات فارسی،  
تحلیل سیاست را درین مکر رسانی مطالعه کرد.

وی شروع منظمه سیواری را در حوزه علمیه مطالعه کرد.  
مازندرانی پس از این شرکت کرد. کتاب های فلسفه و اقتصاد،  
مکتب های فلسفی، عرب، معارف قران، فلسفه اخلاق، نهایه  
الحکمه، برهان شفای، جلد های ۸ و ۸۱، اسفار، دروس فلسفه و پرخی  
برنامه های آموخته جنیه در زمینه تبریز، حقوق، ادبیات فارسی،  
تحلیل سیاست را درین مکر رسانی مطالعه کرد.

استان مازندران در شماره جسته ترین استان های کشور از  
جهنمه های مادی و معنوی است و مردم عزیز و مؤمن و اتقانی است.  
در این های متعدد در نظام جمهوری اسلامی مفتخر و سریان  
ظاهر شدند.

حجاب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در بیان این موضع از این موضع این موضع ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبری ایشانی در این حوزه علمیه می کنم.  
در این حوزه علمیه می کنم.

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدی ایشانی گفت: «امام  
حجت الاسلام آقای طبر

